فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی – دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج – سال پنجم / شماره ۱۵ / تابستان ۱۳۹۲

بررسی عناصر داستانی داستان‌های کوتاه «احمد دهقان» (بر اساس مجموعه داستان «من قاتل پسرتان هستم »)

ابراهیم گل پرور[1]
دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات زاهدان
حمید صمصام[2]
استادیار دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات زاهدان

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۲/٤/۲۰

چکیده

احمد دهقان، در دهه‌ی اخیر یکی از نویسندگان برجسته‌ی ادبیات داستانی دفاع مقدس است. در میان آثار او، مجموعه‌ی داستانی «من قاتل پسرتان هستم» که شامل چند داستان کوتاه می باشد، یکی از کارهای برگزیده او به شمار می رود. تحلیل عناصر این داستان‌ها، در حوزه جنگ، آن را بهتر می شناساند، از این رو مقاله‌ی حاضر به بررسی روابط اجزا، عناصر و سازه‌های درونی آن

1. Email: ebrahim.golparvar@yahoo.com
2. Email: hamid.samsam48@yahoo.com

می‌پردازد و می کوشد تا توانمندی دهقان را در عرصه‌ی داستان کوتاه، همچون رمان و خاطره نویسی به اثبات برساند و نشان دهد. این نویسنده با اصول و مبانی فنی داستان‌های کوتاه به خوبی آشناست و توانسته با آغاز و پایان‌بندی مناسب، طرح و پیرنگ منسجم، شخصیت‌پردازی مناسب، فضاسازی و صحنه-پردازی های تأثیرگذار و به کارگیری داستان‌های جذّاب و حقیقت مانندی و استفاده از سبک بیانی خاص، اثری برجسته را در عرصه‌ی ادبیات داستانی دفاع مقدس عرضه نماید.

روش تحقیق، توصیفی_تحلیلی است. گردآوری و طبقه‌بندی اطلاعات، بر مبنای یادداشت‌ها و منابع مورد مطالعه و اطلاعات به دست آمده با شیوه‌ی توصیفی انجام شده است. سپس بر مبنای نتیجه‌گیری استقرایی و رسیدن از جزء به کل، تحلیل گردیده است.

کلیدواژه ها: احمد دهقان، من قاتل پسرتان هستم، عناصر داستان، داستان کوتاه، ادبیات دفاع مقدس.

مقدمه

احمد دهقان در سال ۱۳۴۵ در تهران متولّد شد. مدت‌های زیادی را در جبهه گذرانید، کار او در عرصه‌ی ادبیات جنگ و دفاع مقدس، با انتشار «ستاره‌های شلمچه» در سال ۱۳۶۹ آغاز شد. در این کتاب خاطرات خود را از عملیات کربلای ۵ شرح داده است. سال بعد دومین اثر را با عنوان «روزهای آخر» منتشر کرد. این دو اثر در دومین دوره‌ی انتخاب کتاب سال دفاع مقدس در بخش خاطره تقدیر شد. سپس به خلق داستان و رمان متمرکز شد «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» اولین رمان اوست که در سال ۷۶ منتشر شد. این کتاب با ارائه‌ی صحنه های تکان‌دهنده‌ی جنگ به شناسنامه‌ی ادبی دهقان بدل شد. این رمان در سال ۲۰۰۶ میلادی به زبان لاتین توسط «یال اسپراکمن» ترجمه شد. آثار فراوانی از دهقان به چاپ رسیده که «دکتر چمران» «هجوم» «ناگفته های جنگ» از آن جمله‌اند. تلاش‌های دهقان در زمینه‌ی مباحث خاطره نویسی، منجر به انتشار کتاب «خاک و خاطره» با رویکرد آموزشی شد.

احمد دهقان، به خاطر آثارش در عرصه‌ی دفاع مقدس‌که عمده‌ی دغدغه‌های او را در بر

می‌گیرد، به عنوان یکی از برگزیدگان بیست سال ادبیات پایداری انتخاب شد.

نگاهی کلی به مجموعه داستان«من قاتل پسرتان هستم»

مجموعه داستان «من قاتل پسرتان هستم» شامل ده داستان کوتاه است، که در سال ۱۳۸۳ به وسیله‌ی نشر افق در تهران منتشر شد. این داستان‌ها عبارتند از: مسافر[۱](۱۳۸۳)، بلدرچین[۲](۱۳۸۲)، زندگی سگی[۳](۱۳۸۲)، تمبر(۱۳۸۷)، بلیت[۴](۱۳۷۷)، پری دریایی(۱۳۸۱)، من قاتل پسرتان هستم[۵](۱۳۷۸)، بازگشت(۱۳۸۰)، بن بست[۶](۱۳۸۳)، پیشکشی(۱۳۸۳)

تصویرهایی‌که در داستان‌های کوتاه من قاتل پسرتان هستم، ارائه می شود، همگی تلخ و دردناک است و انعکاس مصایب و تبعات جنگ و دیدن حقایقی که از چشم ها پنهان مانده است و نویسنده همچنان که در سال‌های دفاع مقدّس به دفاع از مرز و بوم خویش پرداخته، اکنون در عرصه‌ای دیگر رسالت خود را ادا می کند و نسل امروز را از زوایای پیدا و پنهان جنگ آگاه می‌کند.

مردان محور اصلی داستان‌های او هستند و زن ها نقش مکمّل را بازی می‌کنند و حضور آن‌ها در برخی داستان پررنگ تر است، مانند مسافر، پیشکشی، تمبر و بن بست.

مطلق‌گرایی در این اثر به چشم نمی‌خورد. قهرمانان داستان‌های دهقان خوب بد دارد. نویسنده جنگ را پدیده‌ای مبارک و میمون نمی داند و شاید کمتر به ارزش‌های دفاع مقدس پرداخته‌شده است، در واقع گرایش به حقیقت و واقع بینی او را از این فضا دورکرده است.

پیوند محتوا با ساختار داستانی در این اثر، از عوامل توفیق آن است. پیوند عمودی و افقی عناصر داستان‌ها با یکدیگر موجب موفقیت این اثر گردیده است. یک اثر داستانی، وقتی موفق است که میان شکل و محتوای آن سازگاری باشد. تحلیل ساختار و عناصر این مجموعه با تکیه بر محتوای داستانی آثار می تواند این موضوع را بهتر نمایان سازد. دهقان، با وقوف کامل بر این مهم و توجّه به نکات فنی در پردازش پیرنگ، شخصیت‌های داستانی و دیگر عناصر و پیوند آن ها با هم اثری درخور توجّه خلق کرده است.

عناصر داستان و بررسی ساختار بیرونی اثر

مبانی تحلیل هر داستان، بر پایه‌ی عناصر داستانی است و سنجش هر داستان بر اساس

چگونگی‌کاربرد هر یک از این عناصر صورت می‌پذیرد. عناصر داستانی برجسته که نقش محوری در سنجش و تحلیل یک اثر دارند عبارتند از: پیرنگ، شخصیت، زاویه دید، صحنه و صحنه پردازی، لحن درون مایه و حقیقت مانندی که محور فکری حاکم، بر داستان ها اعم از داستان‌کوتاه و بلند را بیان می‌کند.

پیشینه و روش تحقیق

کمیت آثار تحقیقی در حوزه‌ی تحلیل عناصر داستانی ادبیات داستانی ایران، به ویژه ، داستان معاصر با توجه به عمر نه چندان طولانی ادبیات داستانی، چندان قابل ملاحظه نیست. هر چند در این مدت کوتاه، آثار مفید و سازنده ای عرضه شده است، اما همچنان، عرصه برای پرداختن در این حوزه وسیع است.

از جمله کتاب‌هایی که در این زمینه عرضه شده است؛ می‌توان به «عناصرداستان» از جمال میرصادقی، «هنرداستان نویسی» از ابراهیم یونسی، «دستور زبان داستان»از احمد اخوت، سرچشمه‌ی داستانهای کوتاه از «کریستف بالایی»، «مبانی داستان‌کوتاه» از مصطفی مستور، «صدسال داستان نویسی» از حسن میرعابدینی اشاره کرد.

در این میان، آثاری نیز به صورت تخصصی‌تر درباره‌ی داستان‌های دفاع مقدس نوشته شده که از آن جمله می‌توان به؛ «کندوکاوی پیرامون ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس» از محمد و محسن حنیف، «۱۴مقاله درباره‌ی داستان» به کوشش کامران پارسی‌نژاد، عباس جعفری مقدم، حسن رسولی‌نژاد و احمد شاکری اشاره کرد.

علاوه بر آثار یاد شده، می‌توان به مقالاتی چون «نقد و تحلیل ساختار و عناصر داستان رمان آتش بدون دود» از مهیار علوی مقدم و سوسن پورشهرام، «بررسی عناصر داستانی در مرد» از محمد حسین خان محمدی و «تاریخ تحلیلی داستان کوتاه جنگ از آغاز تا پایان جنگ» از محمد جواد جزینی را نام برد.

در زمینه بررسی آثار احمد دهقان نیز، می‌توان به کتاب «جنگی داشتیم داستانی داشتیم» کامران پارسی‌نژاد اشاره کرد که در آن رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» مورد نقد و بررسی قرارگرفته است.

مجموعه‌ی داستان «من قاتل پسرتان هستم» نیز بارها مورد نقد و بررسی قرارگرفته است؛ از جمله، استاد احمد شاکری آن را یک اثر «ماتریالیستی» می‌داند و برخی منتقدان آن

را «ادبیات اعتراض» نامیده‌اند. موضوع مقاله‌ی حاضر، تحلیل عناصر داستان‌کوتاه، درحوزه‌ی ادبیات دفاع مقدس است، از این رو در مجموعه داستان‌های کوتاه «من قاتل پسرتان هستم» به بررسی عناصر داستانی از قبیل؛ پیرنگ، شخصیت، زاویه دید، صحنه، پیوند این عناصر با یکدیگر، توضیح نحوه‌ی شکل‌گیری و اثرگذاری آن‌ها خواهیم پرداخت.

در این مقاله، روش تحقیق، مبتنی بر شیوه‌ی توصیفی_تحلیلی است. گردآوری و طبقه بندی اطلاعات بر اساس یادداشت ها و اطلاعات کتابخانه‌ای به دست آمده، صورت پذیرفته است و نتایج بر مبنای نتیجه‌گیری استقرایی و رسیدن از جزء به کل، دسته‌بندی شده است.

ضرورت تحقیق

داستان کوتاه دفاع مقدس، در دو دهه‌ی اخیر، رشد بسیار فزاینده‌ای داشته است، از دلایل‌گرایش به این نوع ادبی، گرفتاری‌های فراوان انسان در عصر حاضر، محتوای تأثیرگذار و متفاوت، سادگی، تجربه‌ی جنبه‌ی واقع‌گرایانه و توجّه به بن‌مایه‌های تعلیمی، عرفانی و حماسی است. بسیاری از نویسندگان، وارد این عرصه از ادبیات شدند وآثار خوبی پدید آوردند. اما شناخت و پی بردن به نکات فنی و تکنیکی این آثار، نیازمند نگاهی علمی و نو و ساختاری به داستان‌های کوتاه، در حوزه‌ی دفاع مقدّس است.

اکنون، برای بررسی دقیق‌تر جایگاه داستان نویسی در وادی داستان‌های کوتاه دفاع مقدس و نشان دادن دلایل چشم‌گیر به نگارش و خوانش این آثار، توجّه بیشتر به ساز وکار درونی و تحلیل عناصر داستانی داستان‌های کوتاه دفاع مقدس، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. از طرفی موجب می‌گردد خوانندگان و علاقه‌مندان آثار ارزنده را بهتر بشناسند و نویسندگان نیز از عرضه‌ی آثار ضعیف و سخیف در بازار نشر خوداری کنند.

نام گذاری مجموعه داستان

نام این اثر، برگرفته از یکی از داستان‌های کوتاه این مجموعه است. این عنوان در نگاه اول، می‌تواند تصویری منفی در ذهن مخاطب بیافریند. این با زمینه‌ی ذهنی که مخاطب از آثار دفاع مقدس دارد، نوعی آشنایی زدایی و تناقض ایجاد می‌کند و خواننده احساس می‌کند با یک اثر جنایی روبروست و این مسئله می‌تواند بر جذابیت و کشش اثر بیفزاید و موجب

ترغیب خواننده گردد.

از طرفی، نویسنده با توجّه به درون‌مایه‌ی داستان‌های خود و مضمونی که در همه‌ی داستان‌های حوزه‌ی جنگ و دفاع مقدس دیده می‌شود، با این عنوان بر تلخی و ناخوشایندی جنگ که توأم با کشت و کشتار است، اذعان دارد و اینکه بسیاری طعمِ تلخ مرگ را می‌چشند و آنان که باقیماندگان جنگ هستند، هرگاه به مخاطرات آن می‌اندیشند، مصایب و رنج های آن، همه‌ی وجودشان را فرا می‌گیرد. همچون قاتلی که هر گاه صحنه‌های جنایت خود را به یاد می‌آورد، دچار عذاب و رنج روحی می‌شود!

شخصیّت

قهرمان و شخصیّت، به افرادی اطلاق می‌شود که آفریدهٔ ذهن نویسنده، در فضای داستان و یا هر چیز دیگراست، به بیان دیگر، حوادث و ماجرای هر داستانی را، گروهی از افراد پیش می‌برند که به آن‌ها شخصیت داستان می‌گویند.» (خان محمدی،۱۳۸۸ : ۸۶) شخصیّت، «از مهمترین عناصر وجودی هر داستان است، به عبارت دیگر، یک داستان، بدون شخصیّت نمی تواند باشد.»(عبداللهیان،۱۳۸۰:۱۱۴) زیرا «مهم‌ترین عنصر منتقل‌کننده‌ی تم داستان و عامل مهمّ طرح داستان، شخصیّت داستانی است.»(یونسی، ۱۳۸۶ :۳۳)

میان حوادث داستانی و شخصیّت‌ها، رابطه‌ی مستقیم برقرار است. «رنه ولک»، درباره‌ی ارتباط عمیق میان حادثه و شخصّیت، این سخن مشهور«هنری جیمز» را نقل می‌کند: «آیا شخصیت جز تعیین حادثه چیز دیگری هست؟ و آیا حادثه جز نشان دادن شخصیت چیز دیگری می‌تواند باشد؟ »

شخصیّت‌ها، در تقسیم بندی‌های متفاوتی، می‌توانند زودیاب و ساده باشند یا پیچیده و دیریاب. شخصیّت ساده، یک دغدغه دارد و به راحتی، خواننده چگونگی شخصّیت او را، با تمام خصایص فکری و روحی در می‌یابد. چنین شخصیّتی، معمولاً در طول داستان ایستاست؛ امّا شخصّیت پیچیده، چند بعدی است و ویژگی‌های روحی و روانی و فکری وی به سادگی آشکار نمی‌گردد.

شخصیّت‌ها، درداستان، گاه نمایشی و گاه گزارشی، به خواننده معرّفی می‌شوند. اگر شخصیّت ها از زبان راوی شناسانده شوند شیوه‌ی، «گزارشی» است. اما اگر در خلال داستان، از طریق گفتگو، حرکات و رفتار شناسانده شوند، «نمایشی» است. (عبداللهیان ، ۸۱ : ۴۱)

دهقان، در مجموعه داستان «من قاتل پسرتان هستم» شخصیت‌ها را از جامعه‌ی اطـراف خود انتخاب می کند. این شخصیت‌ها اغلب‌کسانی هستند که در هر کوچه و بازاری می‌تـوان، آن ها را دید. انسان‌هایی عاطفی، صمیمی، بی‌ریـا و باورپذیرنـد. برجـسته‌تـرین داسـتان ایـن مجموعه؛ یعنی«من قاتل پسرتان هستم» شخصیتی مردانه و پاک و صادق دارد، که تـلا ش او برای بیان حقیقت قابل تحسین است تا بتواند با آگاه کـردن پـدر محـسن ازجریـان شـهادت پسرش، خود از عذابِ وجدان و آنچه مـدتی اسـت روح و روان او را مـی‌آزارد، رهـایی بخـشد. برای مثال، روحیه‌ی صداقت قهرمان داستان در پایان، با بیانی موجز این نمایانده می‌شود:

«این حقیقت ماجرایی بود که برای پسرتان رخ داده بود و من بدون هـیچ لاپوشـی آن را بیان کردم. حال نیز برای هر گونه مجازاتی آماده‌ام.» (دهقان،۱۳۸۳:۷۵)

شخصیت مکمّل این داستان نیز محسن است. پدر محسن و فرمانده، شخصیت‌های دیگر این داستان هستند که خصوصیات آن ها با توصیفاتی موجز و زیبا تصویر شده است.

شخصیت اصلی داستان «مسافر» مردی است درون‌گـرا، دارای درک و تعهـد و اعتقـادی که حاصل از دوران جنگ است و بـا توجـه بـه سـاختار شخـصیتی و دغدغـه هـای فکـری و روحی اش رفتارهایی قابل پیش بینی دارد.

«ننه مریم» نیز در این داستان شخصیتی محـوری دارد، زیـرا عمـده‌ی حـوادث داسـتان پیرامون او اتفاق می‌افتد.

زنی که تمام دغدغه او برگشتن فرزند مفقود الاثرش«عبدو» از جنگ اسـت. زنـی کـه در این راه، روانش آشفته می شود و سرانجام همچون فرزندش ناپدید می‌گردد.

با توجّه به محیط و فضای رئالیستی حاکم بر آثار دفاع مقدس، شخصیت هـا و توصـیفات آن‌ها در این داستان نیز حقیقتی باورپذیر و برگرفته از حقایق جنگ دارند .

در داستان مسافر، محیط و زمینه‌ی خلق شده و واقیت دردنـاکی کـه در داسـتان اتفـاق می‌افتد، (وقتی‌که مادر عبـدو بـه دنبـال یـافتن پـسرش بـا یـک گـونی اسـتخوان بـه منـزل برمی گردد) با به کارگیری الفاظی، هم‌چون «خط های درهم »، «وضع ژولیده »، «مـرداب »، «موهای درهم » تشویش ذهنی و نگرانی درونی قهرمان داستان را به خوبی بـه خواننـده القـا می کند.

نویسنده، در بیان شخصیت‌های داستانی خویش از هـر دو شـیوه‌ی گزارشـی و نمایـشی بهره گرفته است. واگویه‌ها و گفت‌وگوهای درونی، توصیف (درونی و بیرونی) نـام‌گـذاری‌هـا و

حتی مشاغلی که قهرمانان برخی داستان‌ها دارند، خواننده را در شناخت شخصیت‌ها کمک می‌کند. چنان که می‌بینیم در داستان «بلدرچی» شخصیت محوری داستان مرد روستایی چوپانی است، به نام «الله قلی» یعنی آنچه که تا حدی می‌تواند ابعاد شخصیتی قهرمان داستان را به ما بشناساند. مردی خاکی،آرام، ساده، عاشق طبیعت و پرندگان و البته با نظم و انضباط.

دارای شخصیتی برونگرا، رفتاری ثابت و باورپذیر است. او را می‌توان از روی سخنان و رفتارهای صادقانه اش شناخت. مردی بی سواد است که از علاقه خود به نامزدش سخن می گوید و از دوستان همسنگرش می‌خواهد تا برای نامزدش نامه بنویسند. این ویژگی‌ها درکنار شهادت مظلومانه‌ی او بر محبوبیت و قداست شخصیت اصلی داستان می‌افزاید.

در داستان «زندگی‌سگی» نیز نویسنده با بهره‌گیری از توصیف‌ها، گفت وگوهای درونی قهرمان داستان و فضاسازی‌ها شخصیت اصلی اثر را به خوبی به مخاطب می‌نمایاند . قهرمان داستان، جانبازی که آثار جنگ و مصایب آن را همواره بر دوش می‌کشد، البته آن تصاویری که نویسنده از جانبازان دیگر به تصویر می‌کشد نیز می‌کشد، این مسئله را گویاتر نشان می دهد. قهرمان داستان نیز مانند غالب داستان‌های دهقان از اقشار پایین دست جامعه و جانبازانی هستند، که برای گرفتن قطعه زمینی در اداره به صف ایستاده‌اند:

«می‌روم تو راهروی دراز که پر از همهمه‌ی آدم‌هایی است که مثل ستون مورچه‌ها می روند و می‌آیند و خیلی‌هاشان دست ندارند یا پا.» (همان:۲۴)

اغلب داستان های مجموعه «من قاتل پسرتان هستم» شخصیت‌های ایستایی دارند. تحوّلات روحی آنان منجر به تغییر در داستان نمی‌شود. بنا براین پیچیدگی روحی ندارند و خواننده، روحیات آن ها را به راحتی در می‌یابد. برای مثال، در داستان «بلیت» که در کنار شخصیت راوی قهرمان، شخصیت محوری دیگری به نام «رمضان بیابانی» حضور دارد. رمضان شخصیت ایستایی دارد و تحوّلات روحی که برای او اتفاق می‌افتد مسیر داستان را عوض نمی‌نکند. او در جبهه شخصیت ساده دارد که همه سربه‌سرش می گذارند و می‌خندند، اکنون سال‌ها پس از جنگ باز همان حال و احوال را دارد.

رمضان بیابانی را در سالهای جنگ می‌شناختم. کارمند ساده‌ای که کمی به خل وضعی می‌زد.»(همان:۴۹)

او در اثر یک اعتماد نابجا به خواهرش از کار تعلیق می‌شود و به فقر و نداری می‌افتد. در

این حال دست به دامن دوستش (راوی) می‌شود .

در داستان «بن بست» شخصیت اصلی داستان پدری است که با حضور در دادگاه، حقیقت مرگ و خود کشی دو نوه‌اش «امیرحسین و مریم» را بازگو می‌کند. و پرده از رازی دردناک برمی‌دارد. شخصیت‌های دیگر داستان «سام و نریمان» و میترا عروس خانواده هستند. چنان‌که می‌بینیم در این داستان، شخصیت‌ها در قالب گفت وگوها و رفتار آن‌ها به خوبی نمایانده شده است. حقایق تلخ و تبعات جنگ و آسیب‌های آن به همه‌ی شخصیت‌های داستان آسیب می‌زند.

شخصیت ها در این اثر به خوبی در انتقال تم داستان ایفای نقش‌کرده اند و در خدمت ساختار و حوادث داستان قرار گرفته اند.

در نام‌گذاری اشخاص داستانی، دهقان به معانی کنایی اسامی نمی‌اندیشد. بیشتر می کوشد نام شخصیت‌ها را با محیط واقعی آنان و جامعه‌ای که از آن در جنگ حضور یافته-اند، تطبیق دهد. بنابراین آگاهانه نام‌هایی ساده، متداول و اسم‌هایی که واقعاً در محیط جبهه و جنگ حضور دارند، برمی‌گزیند.

دهقان، متناسب با مضامین داستانی خویش و شخصیتی که قهرمان داستان دارد، دست به انتخاب می‌زند و با عنایت به تقدسی که جنگ و دفاع مقدس دارد، سعی می‌کند از اسامی مقدّس برای مردان و زنان داستان هایش استفاده کند. نام هایی مانند رضا، محسن، رمضان، ادریس، داوود، الله قلی، مریم... در این میان توجّهی که نویسنده در استفاده از نامهایی آیینی و ملی ایرانی دارد، نیز قابل تأمّل است. گویا نویسنده کوشیده است، با به کارگیری هر دو دسته به فرهنگ ملی و مذهبی این سرزمین با هم نگاه کند. نام هایی ازقبیل؛ سام، نریمان فرامرز، میترا، نادر و ...

دهقان، در هر داستان نام‌گذاری مستقلی دارد. بنابراین اشتراک اسامی در داستان‌ها دیده نمی‌شود در این مجموعه، برخی شخصیت ها بدون نام اند و خواننده با توصیفاتی که از آنان صورت می‌گیرد، با چگونگی شخصیت آنان آشنا می‌شود.

غالب شخصیت‌های داستانی این مجموعه را، مردان تشکیل می‌دهند. به جز داستان «مسافر» که قهرمان آن «ننه عبدو» است و داستان «بن بست»که دو نفر از شخصیتهای آن زن هستند، در باقی داستان‌ها شخصیت‌های اصلی و قهرمانان را مردان تشکیل می‌دهند. قطعاً این گزینش شخصیتی، برگرفته از عینیت گرایی نویسنده در داستان‌هایش است. از آنجا

که جنگ و مبارز ه یک کار مردانه است و غالب رزمندگان در جبهه‌های نبرد مردان بوده‌اند، این ضرورت ایجاب می‌کند که نویسنده نیز قهرمان‌ها و شخصیت‌های محوری داستان‌هایش را از میان مردان انتخاب نماید. البته آنجایی که نویسنده خواسته است، بر رنگ عاطفی اثر بیفزاید و حضور زن در داستان لازم بوده، از شخصیت‌های زن نیز بهره برده است. چرا که زنان هم به طور قطع در این عرصه حضوری موثّر داشته‌اند، مثل داستان «مسافر» و «زندگی سگی» .

طرح یا پیرنگ

«پیرنگ»، مرکب از دو کلمه‌ی پی و رنگ است. پی، به معنای شالوده و پایه آمده است و رنگ به معنای طرح و نقش. بنابراین روی هم «پیرنگ» به معنی «بنیاد نقش» و «شالوده طرح » است.(میرصادقی ،۱۳۸۸ : ۶۰)

طرح یا پیرنگ، در دیدگاه روایت شناسان، عموماً این گونه تعریف می‌شود: « طرح نقل حوادث است با تکیه بر موجبیّت و روابط علّت و معلول» (فورستر، ۱۳۶۹ : ۹۲) این تعریف دو شاخصه‌ی اصلی دارد: تسلسل حوادث و علیّت. یعنی حوادث و رویدادهای داستانی پی درپی هم می‌آیند و با هم رابطه علّی و معلولی دارند. پیرنگ،«وابستگی موجود میان حوادث را به طور عقلانی تنظیم می‌کند.»(میرصادقی،۱۳۸۸: ۶۴) «داستان نویس کاردان طرح را در کلّ اندام داستان حلّ و فصل می‌کند و به خواننده فرصت می‌دهد که خطوط آن یعنی روابط علّی بین رویدادهای داستان را به چشم ببیند و به گوش بشنود.» (ایرانی، ۱۳۶۴ :۱۶۵)

از تقابل شخصیّت‌ها در پیرنگ داستان، «کشمکش» پدید می‌آید.کشمکش حاصل برخورد عمل شخصیّت یا شخصیّت‌های اصلی داستان، با عمل شخصیّت های مخالف و مقابل است.کشمکش، می‌تواند جسمانی، عاطفی، ذهنی یا عاطفی باشد.. (میرصادقی ، ۱۳۶۵ : ۲۳۱)

«گره افکنی»، وضعیّت و موقعیت دشواری است که بعضی اوقات به طور ناگهانی ظاهر می‌شود و برنامه‌ها راه و روش‌ها و نگرش‌هایی را که وجود دارد تغییر می‌دهد. «حالت تعلیق یا هول و ولا» پس از گره‌افکنی، با گسترش پیرنگ و بیشتر شدن حس کنجکاوی خواننده، همراه است. خواننده با شخصیّت اصلی همدردی و همراهی می‌کند و به سرنوشت وی

علاقمند می‌گردد. همین علاقمندی نسبت به عاقبت کار، او را در حالت انتظار و دل نگرانی نگاه می‌دارد. این کیفیّت، حالت تعلیق و بلاتکلیفی است. «بحران»، لحظه‌ای است که نیروهای متقابل برای آخرین بار با هم تلاقی می‌کنند و عمل داستانی را به نقطه‌ی اوج یا بزنگاه می‌کشاند که در آن بحران به نهایت خود می‌رسد و به «گره‌گشایی» می‌انجامد. گره گشایی، پی‌آمد وضعیّت و موقعیّت پیچیده یا نتیجه‌ی نهایی رشته حوادث است.

داستان‌های دهقان، اغلب دارای طرحی ساده و خطّی هستند. پیرنگ‌ها پیچیدگی ندارند، حوداث در هم تنیده و مبهم نیست. دیدگاه نویسنده در بیان حادثه‌ها رئالیستی و برگرفته از مستندات و حقایق و دیده‌های او در جبهه‌های جنگ است. پیرنگ داستان‌های دهقان، در یک نگاه‌کلی، منسجم و مستدل و محکم است و با شاخص‌های پیرنگ قوی، از جمله روابط علّی و معلولی، گره‌افکنی‌ها، تعلیق‌ها و گره گشایی‌ها، هم خوانی مطلوبی دارد. در غالب داستان‌ها می‌توان اجزای پیوسته‌ی پیرنگ، اعم از حادثه‌ها، کنش‌های داستانی، کشمکش‌ها و بحران‌های داستانی را دید. داستان‌ها با نظمی متعادل همراه هستند. کشمکش‌ها در غالب موارد عاطفی و ذهنی است و به شدت احساسات و عواطف مخاطب را برمی‌انگیزد.

برای مثال، در «مسافر» داستان از اولین رویدادی‌که آغاز می‌شود با سیری منطقی پیش می‌رود. هر لحظه بخشی از الگو و حلقه‌های زنجیروار داستان بر اساس روابط علی و معلولی روشن می‌گردد. یعنی از وقتی‌که نامه به دست راوی می‌رسد تا وقتی که او تلاش می‌کند، برای روشن شدن ابعاد ماجرا به خانه‌ی «ننه مریم» و «جاسم» زنگ بزند تا آن‌گاه که حقیقت ماجرای مادر ننه مریم و برگشتن او به خانه با استخوان‌های فرزندش آشکار می‌شود و در طرح و پیرنگی مشخص به هم‌گره می‌خورد، نویسنده به خوبی مراحل کشمکش و گره افکنی و تعلیق را پیش می‌برد.

برای مثال، گره افکنی در این داستان که با جدال درونی و ذهنی راوی و دلشوره و اضطراب او به مخاطب منتقل می‌شود، با سؤالاتی در جای جای داستان مطرح شده است :

«چی شده؟ آخه، چیزی نگفت؟» «چی شده؟ از حال ننه مریم چه خبر؟ » (همان :۸)

گره‌گشایی داستان نیز مطابق است با نقطه‌ی اوج یعنی؛ آن‌گاه که ننه مریم مسافر گم شده‌ی خود را می‌یابد و با ریختن استخوان‌های فرزندش درگونی آن‌ها را به منزل می‌آورد. و دیگر بار در سفری بی‌بازگشت استخوان‌ها را برمی‌دارد و می‌رود:

«دوباره جاسم زنگ زد. چیزی بروز نداد. فقط گفت ننه مریم با استخوان ها رفته.»

(همان:۱۳)

از نکات برجسته و مهم در پیرنگ‌های این مجموعه،کشمکش‌های داستانی است. دهقان غالباً در داستان‌هایش می‌کوشد تا خواننده را با دغدغه‌ها و کشمکش‌های درونی و بیرونی و جدال‌های فکری قهرمانانِ داستان هایش همراه سازد. هیچ کدام از داستان‌ها خالی ازکشمکش نیست. در داستان «زندگی‌سگی» تردیدی که قهرمان جانباز داستان، در گرفتن امتیاز واگذاری زمین دارد، محور جلب نظر خواننده است یا کشمکش ذهنی و روانی که شخصیت اصلی داستان به عنوان متهم در «من قاتل پسرتان هستم» دچار آن می‌شود، به این داستان ویژگی ممتازی بخشیده است:

«نمی‌دانم چرا جرئت نمی‌کردم جلو بیایم.گناهکار بودم و بی‌آنکه شما مرا بشناسید از دیدن تان شرم داشتم. نمی‌دانستم اگر بدانید من قاتل پسرتان هستم، چه برخوردی خواهید داشت آری، محسن به دست من به قتل رسید نه به دست سربازان دشمن.» (همان:۶۹)

گره افکنی در پیرنگ داستان‌های «من قاتل پسرتان هستم» تعلیق و انتظار را در خواننده به همراه دارد برای مثال، درداستان «بلدر چین» حالت تعلیق و گره‌افکنی با یک شروع غیرمنتظره، درآغاز به خواننده القا می‌شود:

«لعنت به این جنگ که زود تمام شد. انگار خبر مرگ همه‌ی کسانم را داده اند.» (همان :۱۶) این مفهوم متناقض خواننده را کنجکاو می‌کند تا با داستان همراه گردد .

در داستان «زندگی‌سگی» نیزگره افکنی، ازآغاز شکل می‌گیرد و خواننده‌ی کنجکاو را با خود همراه می‌کند.گره داستانی و کشمکش عاطفی و ذهنی قهرمان در تقابل با آنچه می خواهد انجام دهد، در پیکره داستان دیده می‌شود و تردید در ارزش آنچه قراراست به جانبازان بدهند، در ازای آنچه از دست داده‌اند می‌تواند سؤال اصلی و گره این داستان باشد که گویا در نهایت پاسخ این پرسش در پیرنگی باز به خواننده واگذار می‌شود:

« لحظه‌ای می‌مانم بروم یا نروم اصلاً ارزشش را دارد یا نه... » (همان:۲۴) البتّه، این مسئله در کنار نام عجیب این داستان برای خواننده غیر منتظره و جذاب است .

داستان «بن بست» نیز خواننده را قبل از ورود به داستان با علامت سؤالی بزرگ روبرو می‌کند. نویسنده پیرنگی فوق‌العاده پرکشش، جسورانه و دردناکی را دست مایه‌ی کار خویش قرار داده است. حوادث و اتفاقات داستان به هیچ وجه قابل پیش بینی نیست و مخاطب به خاطر گره‌افکنی‌های ناگهانی با اشتیاق تمام به ادامه‌ی ماجرا علاقه‌مند است و این گره تا

اواخر داستان ادامه دارد. نقطه‌ی اوج داستان را باید در چند سطر پایانی جست وجو کرد، یعنی آنجا که پدر خانواده در پایان داستان، علّت مرگ نوه‌هایش را برای بازپرس تشریح می کند:

«نصف شب که از احیا برگشتم. کلید را که انداختم تو در، دیدم بوی گاز می‌آید. کلید برق را نزدم. درها را باز گذاشتم و فلکه گاز را بستم. بعد که برق را روشن کردم، دیدم شیلنگ بخاری را در آورده‌اند و فلکه‌ی گاز باز است. بله، توی اتاق جلوی در بودند. رفتم تو و دیدم جنازه‌شان به دراز افتاده.» (همان :۹۳)

به طورکلی، در داستان‌های این مجموعه، پیرنگ و طرح داستان‌ها خوب است. نویسنده، توانسته حادثه ها را به شکلی منطقی، ملموس و عینی جلوه دهد و با ایجاد گره مناسب و جدال و کشمکش و خلق حس انتظار و دلهره در مخاطب او را در انتظار پایان داستان خویش بنشاند.

زاویـــــه ی دیـــد (روایـــــت)

زاویه‌ی دید، یعنی شیوه‌ی نقل داستان یا شیوه‌ای که «نویسنده به وسیله‌ی آن، مصالح و موادّ داستان خود را، به خواننده ارائه می‌دهد و در واقع رابطه‌ی نویسنده را با داستان نشان می‌دهد. (میرصادقی،۱۳۷۶ :۲۳۹) «برای گفتن داستان دو شیوه‌ی مناسب هست: شیوه‌ی سوم شخص و شیوه‌ی اوّل شخص مفرد. در طریقه‌ی اول، نویسنده خود را بیرون از صحنه قرارمی‌دهد و جریاناتی را که بر اشخاص داستان می‌گذرد، به خواننده باز می‌گوید. در طریقه ی دوم، نویسنده در جلد یکی از اشخاص داستان می‌رود و وقایع داستان را انگارخود شاهد و ناظرشان بوده و درآن‌ها شرکت داشته، برای خواننده تعریف می‌کند.» (یونسی،۳۸۶ :۶۹) در داستان، «انتخاب نوع زاویه‌ی دید، بستگی به نوع تأثیری دارد که نویسنده می‌خواهد با داستانش روی خواننده بگذارد.» (بیشاب ،۱۳۷۴: ۳۴۰)

دهقان، از نویسندگانی است که بیشتر ترجیح می‌دهد از زاویه‌ی دید اول شخص استفاده‌کند. منظر روایی داستان، راوی – قهرمان است وخود در تمام صحنه‌های داستانی، حضور دارد. حضور راوی و روایت داستان از منظر اول شخص توانسته است، نویسنده را یاری نماید تا بهتر بتواند از زبان راوی و بی واسطه سخن بگوید و احساسات قهرمانان داستان‌هایش را به خوبی منعکس نماید.

بدون شک، حضور راوی در جبهه و رویارویی با حوادث و اتفاقات گوناگون در انتقال آنچه در نظر دارد مؤثّر است و نویسنده درحقیقت، با انتخاب زاویه‌ی دید اول شخص واسطه‌ی میان مخاطب و دنیای داستان را حذف می‌کند.

نویسنده، با بیان صریح و بی پرده‌ی خود، دغدغه‌ها و احساساتش را در قالب شخصیت های داستان به طور مستقیم با خواننده در میان می‌گذارد و با تمسک به توصیفات و معرفی شخصیت‌های اصلی داستان‌هایش در مواجهه با شرایط‌گوناگون مخاطب را با خود همراه می کند.

داستان «مسافر» چنان که گفتیم، به صورت اول شخص است و راوی خود شخصیت اصلی داستان است. «صبح از در خانه داشتم می‌رفتم بیرون که پستچی با موتورگازی قراضه اش جلوی پام ایستاد.» (همان :۶)

بخشهای زیادی از آن به صورت تک‌گویی درونی است. در داستان گفت وگویی اتفاق نمی‌افتد و راوی افکار شخصیت اصلی خود را مکتوب می‌کند.

«رفتم تو فکر جاسم که کجا می‌توانستم پیدایش کنم. این آخری‌ها می‌گفت چند تا گاومیش خریده. بعد از جنگ روابط‌مان قطع شد.» (همان :۹)

داستان «بلدر چین» نیز به شیوه‌ی راوی– قهرمان بازگو شده و نویسنده به عنوان راوی اول شخص در همه‌ی صحنه‌ها حضور دارد .

«من رفتم در پناه گونی‌های سنگر نشستم و منتظر شدم. همان موقع داشتند پیچ مرگ را گلوله باران می کردند.» (همان :۱۷)

در داستان «زندگی سگی» نویسنده نیز از زاویه‌ی دیداول شخص، مبتنی بر تک‌گویی درونی بهره برده است. در حقیقت «تک‌گویی، گفتار خاموش یا بازگویی ذهن است؛ به این معنی‌که فکر یا خود گویه‌ی شخصیت داستان نوشته و اجرا می‌شود.» (فلکی، ۱۳۸۲ : ۴۲) این در اندیشه‌ی قهرمان می‌گذرد و گفتارهای ذهنی اوست که خواننده را در جریان حوادث و اتفاقات داستان قرار می‌دهد. ابتدای داستان، با واگویه‌ی درونی قهرمان داستان آغاز می شود:

«لحظه‌ای جلو در بزرگ ورودی می‌ایستم تا حالم جا بیاید و بعد می‌روم تو.» (همان :۳۴)

داستان‌های «بلیت»، «من قاتل پسرتان هستم» و «بن بست» نیز به شیوه‌ی راوی–

قهرمان و زاویه‌ی دید اوّل شخص روایت شده‌اند.

چنانکه گفتیم، دهقان در تمام داستان‌هایش با استفاده از زاویه‌ی دید اوّل شخص، توانسته این عنصر داستانی را به خوبی با شخصیت، پیرنگ و درون مایه و دیگر عناصر اثرش پیوند بزند و تأثیر آن را در مخاطب دو چندان نماید.

صحنه وصحنه پردازی

صحنه‌ی داستان، زمان و محل وقوع عمل داستان است؛ به تعبیر دیگر، صحنه، زمینه و موقعیت مکانی و زمانی است که اشخاص داستان، نقش خود را در آن بازی می‌کنند. (مستور،۱۳۷۹: ۴۶و۴۷) سیما داد، در فرهنگ اصطلاحات ادبی، «صحنه» را موقعیّت مکانی و زمانی می‌داند که عمل داستانی در آن اتّفاق می‌افتد. «ابراهیم یونسی» برای انتقال محیط داستان معتقد است، سه راه وجود دارد: یکی وصف مستقیم و ساده محیطی است که اکسیون در آن اتفاق می‌افتد. دیگری، توصیف آمیخته با گفت وگو است و راه سوم، توصیف به یاری گفت وگوست. (یونسی، ۱۳۸۶ :۴۳۰) هرقدر نویسنده، سعی کند صحنه‌ی داستان خویش را با هر سه شیوه بیان کند، بدیهی است که گیراییِ اثرش، بیشتر خواهد شد. صحنه، حتی در رفتار شخصیت ها اثر می‌گذارد.(میرصادقی، ۱۳۸۸ : ۴۵۲) محیط وهم‌آلود و ترسناک، می تواند در کنش یک شخصیّت جسور، تغییر ایجاد کند و یا انسان زاهد و عابد در فضای نامناسب اخلاقی، منحرف گردد.

در داستانهای جنگی، صحنه های دردآلود شهادت‌ها، جانبازی‌ها، ویرانیِ شهرها و دشواری‌ها و سختی‌هایی که بازماندگان جنگ تحمّل می‌کنند، بیشتر از هر داستانی، توجّه به صحنه پردازی را می طلبد .

بدون شک، حضور طولانی نویسنده در جبهه و درک عینی صحنه و فضای جنگ و جبهه در انتقال این شرایط به مخاطب و صحنه‌پردازی و فضا سازی در داستان بسیار مؤثّر است و این که نویسنده کوشیده است موقعیت‌های جغرافیایی و زمان و مکان وقوع داستان‌هایش حقیقی و رئالیستی باشد، مؤیّد این مسئله است، چرا که این شاخصه در حقیقت شناسنامه‌ی کار است و در باورپذیر ی داستان تأثیر فراوانی دارد.

در مجموعه داستان «من قاتل پسرتان هستم» فضای عمومی داستان‌ها، پر از اندوه و درد و حزنی بغض‌آلود و واقعی حاکم است. عاطفه‌ی مخاطب در داستان‌های این مجموعه،

متأثّر از فضای داستان و توصیفات نویسنده، تحریک می‌شود. در داستان‌های این مجموعه، صحنه‌ها و فضاها، در القای درونمایه‌ی داستان بسیار اثر می‌گذارد. این نکته، در داستان «مسافر» و «من قاتل پسرتان هستم»، برجسته‌تر است.

در داستان زیبای «من قاتل پسرتان هستم» توصیف صحنه‌ی غم انگیز و دردناک جان سپردن محسن، ضمن آن که رنگی از اندوه بر داستان می‌پاشد، فضای بی رحمانه‌ی میدان جنگ را نیز به تصویر می‌کشد:

«وقتی محسن از تقلا افتاد، آمدیم روی آب. جنازه پسرتان را گیر انداختیم میان سیم خاردارها تا جزرومد او را به سمت دریا نکشاند. فرزندتان هم چون مسیح مصلوب میان سیم خاردارها مانده بود.»(همان :۷۵) در یک تقسیم بندی کلّی، زمان داستان‌های این مجموعه را می‌توان به دوران جنگ و پس از جنگ تقسیم کرد. داستان‌های «بلدرچین» و «من قاتل پسرتان هستم» در دوران جنگ روایت می‌شود، ولی داستان‌های «مسافر»، «زندگی سگی »، «بلیت» و «بن بست» روایت حوادث پس از جنگ است. مکان داستان‌های جنگی این مجموعه نیز، دو گونه دارد. حوادث داستان‌هایی که در دوران جنگ است، در منطقه عملیّاتی رخ می‌دهد. ولی بقیه‌ی داستان‌ها، در درون شهر و اداره و خانه اتفّاق می‌افتد.

توصیف مناظر طبیعی و محیط موجود در داستان «بلدر چین» به خوبی خواننده را در فضای داستان قرار می‌دهد:

« منبع آب جلوی سنگرمان بود، دور تا دور آن را گونی‌های پر از خاک چیده بودند تا ترکش نخورد. هر شب کامیون تانکر آب می‌آمد وآن را پر می‌کرد. الله‌قلی راه آب کوچکی درست کرد تا آب اضافی و پس مانده در آن جو برود و بعد هم که از مرخصی برگشت، کناره جو شروع کرد به کاشتن گوجه و خیار و کدو.»(همان :۱۹)

صحنه‌های غالب داستان‌های این مجموعه به صورتی موجز توصیف شده است. البته این ویژگی می‌تواند به محدودیتی که داستان کوتاه دارد، نیز مربوط باشد.

برای مثال؛ توصیف مرد جانبازی که بیمار است و دیواری که پشت سر اوست در داستان «زندگی سگی»،کوتاه و گویاست :

«مرد بی‌حال است و تکیه می‌دهد به دیواری که خط خطی است و جای هزار مشت روی آن است.» (همان :۲۸)

درون مـــایـــه

برای دریافت دشوارترین جنبه‌ی تفسیری تحلیل ادبی که درون‌مایه اسـت، سـرنخ هـایی وجود دارد: عنوان اثر، تفسیر و اظهار نظرهای راوی یا شخصیّت‌هـای رمـان، توصـیف صـحنه، انگاره‌های تکرار، هم‌کناری کنایی و لحن روایت از این جملـه انـد.(اسـکولز ، ۱۳۸۳ :۲۲-۲۷) درن مایه، فکر اصلی و مسلط در هر اثری است. خط یـا رشـته‌ای کـه در خـلال اثـر کـشیده می شود و وضعیت و موقعیت داستان را به هم پیوند می دهد، به بیانی دیگر درون‌مایـه را بـه عنوان فکر و اندیشه‌ی حاکمی تعریف کرده‌اند که نویـسنده در داسـتان اعمـال مـی‌کنـد. بـه همین جهت است که درون مایه‌ی هر اثری، جهت فکری و ادراکی نویسنده را نشان می‌دهـد. (همان :۱۷۴۹)

میرصادقی به نقل از جـوزف شـیپلی، اقـسام درون‌مایـه و تعریـف آن را ایـن‌گونـه بیـان می کند: «درون‌مایه عبارت است از جوهر بیان، عمل یا حرکت زیر بنایی، یا موضوع کلّی کـه داستان تصویری از آنهاست.» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۱۷۵) میرصادقی، درون‌مایه را بـه اقـسامی همچون جسمانی و عضوی و آلی و اجتماعی و نفسانی تقسیم نموده‌است.

درون‌مایه‌ی غالب داستان‌های دهقان سخن از جنـگ اسـت، آثـار تلـخ و مـصیبت بـار و دردناک ناشی از جنگ البتّه، در این مسائل دو رویکرد دیده می شـود، بخـشی کـه اشـاره بـه حوادث و وقایع و دوران جنگ دارد و بخشی که مربوط به دوران پـس از جنـگ اسـت. نکتـه قابل توجّه آن است که نویسنده در کنار به تصویر درآوردن صحنه‌های گوناگون جنگ و دفاع، به بیان ایثارها و فداکاری و دلاوری‌های رزمندگان و جانبازان می‌پردازد و این بـا نـشان دادن چهره‌ی زشت جنگ و این که هر انسان نوع دوست و با احساس، از جنـگ و کـشت و کـشتار متنفر است، منافاتی ندارد. دهقان در برخی داستان‌هایش به طور غیر مستقیم و در اندیشه‌هـا و افکار شخصیت‌های داستان‌های خود به آسیب شناسی جنگ می پردازد. بـرای مثـال «بـن بست» از نمونه های بارز این آسیب شناسی و نشان دادن تبعات تلخ جنگ اسـت. پـدری کـه فکر می‌کند، فرزندش شهید شده و او با توصیه‌ی اطرافیان و تصمیم خود، عروسش را به عقـد پسر دیگرش در می‌آورد، اما در یک اتفاق غیـر منتظـره پـسر بـزرگش «سـام»کـه در دسـت دشمن اسیر بوده، به وطن باز می گردد و از قضایا مطلع می‌شود و بعـد از آن، در آن خـانواده فجایعی رخ می‌دهد که بسیار دردناک است.

داستان «مسافر»، نیز شرح و بیان مصیبت‌هـای وارده بـر خـانواده‌ای اسـت کـه یکـی از

فرزندان خود را در جنگ از دست داده و مادری که پیوسته چشم به راه فرزند خویش است و او آن قدر در این آرزو و رؤیا فرومی‌رود که دچار حالت‌های روحی و روانی شدیدی می‌گردد. سرانجام به دنبال فرزند خود به نزدیکی‌های مرز می‌رود و با یک گونی از پاره استخوان‌هایی برمی‌گردد و آن ها در اتاقی پهن می‌کند و مدتی در کنارش می‌ماند، دوباره استخوان ها را جمع می‌کند و این بار راهی سفری بی برگشت می‌شود. در داستان «بلدرچین»، که مضمونی رئالیستی و واقع‌گرایانه دارد، نویسنده مرد روستایی ساده و بی‌ریایی را به تصویر می‌کشد که برای دفاع از میهن خویش، به جبهه آمده است و سرانجام در این راه مظلومانه به شهادت می رسد. این داستان نیز ضمن آن که فداکاری و دلاوری جوانان این مرزوبوم را از هر طبقه به تصویر می‌کشد، به این مسئله نیز اشاره دارد که جنگ بی‌رحم است و رزمندگان در حالی که شاهد مرگ هم رزمان خویش هستند، اما فرصتی برای انتقام نیست:

«لعنت به این جنگ که زود تمام شد، انگار خبر مرگ همه‌ی کسانم را داده‌اند. حالا چه کار می‌توانیم بکنیم.» (همان :۱۶)

داستان «زندگی سگی» نیز مانند باقی داستان‌های دهقان به شرح آسیب‌های جنگ می پردازد و به مصایب جانبازانی اشاره دارد که همواره در رنج و سختی به سر می‌برند و تفکری که بر داستان حاکم است و در جای جای داستان نشان داده می‌شود :

«آدمهایی مثل من پشت درها جمع شده‌اند و بعضی پا ندارند و بعضی دست و بعضی یک چشم‌شان کور است و بعضی ها دو چشمشان.» (همان :۲۵)

داستان «من قاتل پسرتان هستم» نیز تصویری واقعی از صحنه وحوادث تلخ و دردناک جنگ را به تصویر می‌کشد. تصاویر جان سپردن هم رزمان درکنار هم و «خود اتهامی» رزمنده‌ای که خود را در مرگ مربی و دوستش مقصّر می‌داند. هر چند برای زنده ماندن پیکر بی‌جانش تلاش زیادی می‌کند، اما برای نجات ده ها رزمنده‌ی دیگر بنا به دستور فرمانده‌ی خود مجبور به کشتن او می‌شود. عنوان اثر به خوبی درون مایه و اندیشه‌ی حاکم بر داستان را نشان می‌دهد و چهره‌ی بی‌رحمانه‌ی جنگ را همرا ه با تصمیم قاطع و جسورانه‌ی فرمانده برای پیشبرد نقشه‌ی عملیات را به خوبی نمایش می‌دهد. پایان داستان که با اعتراف «فرامرز» همراه است بر رنگ عاطفی و اخلاقی اثر افزوده می‌شود: «من قاتل پسرتان هستم و باید مجازات آن را تحمل‌کنم. هر چه تصمیم بگیرید گردن خواهم نهاد.» (همان :۷۵)

لـــحـــن

ای.ریچاردز، لحن را چنین تعریف کرده است : «حالتی که در یک متن ادبی، نظرش را برای شنونده بیان می‌کند. لحن سخن او احساسش را نسبت به مخاطبش بیان می‌کند.» (ابرمز ، ۱۳۸۴ : ۲۶۵) در داستان نویسی«لحن، طرز برخورد نویسنده یا شاعر است نسبت به موضوع داستان به طوری که خواننده بتواند آنها را متوجّه شود.» (داد ،۱۳۸۵ : ۴۱۳) درحقیقت، لحن «شگردهایی است که داستان نویس به کار می برد تا در داستانش حال و هوای خاصی پدید آورد، به مثل حال و هوای تراژیک یا کمیک یا رمانتیک. عنصری که در شکل دادن به لحن نقش تعیین کننده‌ای دارد زبان نوشتاری است.»(ایرانی، ۱۳۸۰ : ۵۹۶)

لحن‌ها در داستان‌ها متفاوتند: خنده‌دار، گریه‌آمیز، نگران، بی‌تفاوت، صمیمی، موقّرانه و... در داستان، لحن و فضا، رابطه‌ی نزدیکی دارند. از این رو، متناسب با فضای حاکم بر داستان و تفکّر شخصیّت داستانی، لحن داستانی مشخص می‌شود. لحن، ایجاد فضا در کلام است. شخصیّت‌ها را، از طریق لحن آنان می شناسیم و با آنان رابطه ایجاد می‌کنیم. از این رو، لحن، مفهومی نزدیک به سبک داد. لحن، «با همه‌ی عناصرسبک، یعنی زبان (واژگان، نحو) معنی شناسی و موسیقی سر و کار دارد. نویسنده از همه‌ی آن‌ها، برای ایجاد لحن در داستان استفاده می‌کند.» (میرصادقی ،۱۳۸۸ :۵۲۴)

در مجموعه داستان «من قاتل پسرتان هستم»، هر شخصیّتی، منطبق با ویژگی‌های روحی و جسمی و اوضاع و شرایط داستان، لحن خاصی به خود می‌گیرد. شخصیّت‌های اصلی داستان، متأثّر از فضاهای شده، الحان متفاوتی دارند. غالب لحن و فضاهای حاکم بر این مجموعه به دلیل درون‌مایه آنها غم انگیز و گریه‌آمیز است، مثلاً لحن و فضای حاکم بر داستان «مسافر» غم انگیز و اندوهناک است. میان شخصیت اصلی داستان و لحن او تطابق وجود دارد و آنجا که شخصیت دیگری سخن می‌گوید، لحن عوض می‌شود. مثلاً وقتی مادر عبدو سخن می گوید، زبان عامیانه و ساده تر می شود و لحن کلام مادرانه است:

«مگه خبر نداری عبدو برگشته؟ تو جنگ بوده بچه‌ام. الانم گرفته خوابیده تو آن یکی اتاق بچه‌ام خسته است.»(همان : ۸)

در داستان «بلدر چین» شروع غیر منتظره داستان، خواننده را به فکر فرو می‌برد که گویا نویسنده مخالف پایان یافتن جنگ است. لحن و فضایی تردید آمیز و پرخاش‌گرانه همراه با تناقض که فضای خاصی را در آغاز داستان ایجاد می‌کند. این لحن و فضا در ادامه با

حضور«الله قلی» در داستان صمیمی‌تر می‌شود. نویسنده با تصویری که از الله قلی به دست می‌دهد، تواضع و سادگی و صمیمیت او را نشان می دهد:

«پا که تو سنگر گذاشت، شروع کرد به کار، بدون این که ما چیزی گفته باشیم یا ازش بخواهیم... ناصر همان موقع اسمش را گذاشت مامان و الله قلی نه این که ناراحت نشد، بلکه خندید از این اسم.» (همان :۱۸)

لحن موجود در داستان «زندگی سگی » هم چون بلدرچین در فضایی تردید آمیز آغاز می‌شود و سپس غم انگیز، تأثّرآمیز و جدی می‌شود. این لحن، با شخصیت‌های داستان به خوبی با هم گره خورده است. چنان‌که گاه فروتنانه وگاه پرخاشگرانه وگاه صریح و کنایه آمیز است. برای مثال، آنجا که مأمور رسیدگی و جمع آوری تقاضا نامه‌ها از شلوغی مراجعین ناراحت می‌شود، بر سر مراجعین فریاد می‌کشد:

«تقاضاهاتان را بدهید من. مگر یک نفر چند تا دست دارد. هر روز یک تسهیلا ت قائل می‌شوند، بدون این که با ما هماهنگ کنند .» (همان :۲۶۹)

در داستان «من قاتل پسرتان هستم» هر شخصیت، به خوبی منطبق با شرایط و ویژگی های روحی- روانی خود، لحنی خاص به خود می‌گیرد. شخصیت محوری داستان، لحنی نرم و عاطفی و تأثیرگذار دارد. فضای حاکم بر داستان گریه‌آمیز و بغض‌آلود است. این، در حالی است که وقتی فرمانده سخن می‌گوید لحن و فضا عوض می‌شود، به عنوان مثال وقتی فرمانده از فرامرز می‌خواهد که با فروکردن سر فرامرز به زیر آب صدایش را ببرد :

«باز هم فرمانده مان آمد نزدیک‌تر و با تحکّم گفت صدایش را خاموش‌کنم .» (همان:۷۳)

در داستان «بن بست» و «بلیت» هم فضای حاکم، کم و بیش مانند داستان‌های دیگر است. لحن جدی و حزن آور و دردناک است و مخاطب به خوبی با شخصیت‌های داستان ارتباط برقرار می‌کند.

حقیقت مانندی

حقیقت در لغت به معنای درستی، راستی و حق است، چیزی که به طور قطع و یقین ثابت است، اسمی است برای چیزی که در جای خود مستقر باشد؛ کنه، ذات، اصل،.. . پس حقیقت، درستی و راستی است. درستی و راستی در شرع ریشه دارد. طرح و پیرنگ اثر و

انتخاب درست و به جای شخصیت‌ها و فضای حاکم بر داستان و موضوعی که نویسنده بـه آن می‌پردازد بر حقیقت مانندی آن صحّه می‌گـذارد و آن را بـه صـورت اثـری رئـال پـیش روی مخاطب قرار می دهد. بیان و لحن شخصیت‌های داستان تصویری واقعی و نه خیالی، در ذهن خواننده بر جای می‌گذارد و بر موضع‌گیری عاطفی خواننده اثر می‌گذارد.

هر قدر داستان به واقعیت‌های زندگی نزدیک باشد، به همـان نـسبت تـأثیر بیـشتری در خواننده می‌گذارد. حقیقت مانندی در داستان به خصوص در داسـتان جنـگ و دفـاع مقّـدس باعث می‌شود، خواننده وقایع داستان و شخـصیت‌هـا و حـوادث را بپـذیرد و در دنیـای ذهـن نویسنده شناور گردد.

بدون شک، آثار داستانی دفاع مقدس به دلیل بن مایه‌ی رئالیستی، این عنصر داستانی را به خوبی به خدمت گرفته اند. دهقان، از جمله نویسندگانی است که مـدت زیـادی در جبهـه حضور داشته و از نزدیک شاهد بسیاری از حوادث و اتفاقات جنگ بوده است. از این رو، عنصر حقیقت مانندی در داستان های او به وضوح نمایان است و این مسئله به حقیقی جلوه کـردن آثارش کمک شایانی نموده است .

تقریباً در همه‌ی داستان‌ها «مـسافر»، «بلـدر چـین»، «زنـدگی‌سـگی»کـه درآن زنـدگی جانبازان و باقیماندگان جنگ را به تصویر می‌کشد، عنصر حقیقـت ماننـدی و باورپـذیری بـه خوبی به نمایش درآمده است. در باقی آثار دهقان «بلیت»، «من قاتل پسرتان هستم» و «بـن بست» نیز می‌توان تصاویر واقعی و حقایق جنگ را به وضوح مشاهده کرد.

نتیجه

بررسی داستان‌های ارزشمند مجموعه داستان «من قاتل پسرتان هستم» نتایج ذیل را در برداشت:

- نویسنده به خوبی میان عناصر داستانی از جمله، شخصیت‌ها، صحنه‌پردازی‌ها، پیرنـگ، فضاسازی‌ها و پیوند آنها با حقیقت مانندی عمل کرده و ارتباط ساختار و محتـوا را مـستحکم نموده است.

- نگاه نویسنده در روایت همه‌ی داستان‌هـای، رئالیـستی بـوده و مبتنـی بـر دیـده‌هـا و تجربیات است.

- دهقان، در نام‌گذاری داستان‌ها، به کلیّت اثر نظر داشته و تلاش کرده است خواننـده را

با محور موضوعی داستان‌های خویش آشنا کند و نام هر داستان برگرفته از درون‌مایه‌ی آنست.

- شخصیت‌های داستانی مجموعه‌ی «من قاتل پسرتان هستم» از اقشارگوناگون جامعه، و در غالب موارد، با روحیّات مختلف انتخاب شده است و نویسنده، شخصّیت‌های داستانی خود را چه از نظر روحی و ذهنی و چه از لحاظ رفتار و ظاهر، در خلال داستان از طریق گفت وگوها و توصیف‌های مستقیم به خواننده می‌شناساند.

- پیرنگ داستان‌ها، همگی دارای ساختاری محکم و مناسبات علّی است. سازه‌ها و عناصر داستانی اعمّ از حادثه‌های داستانی، گره افکنی و بحران، تعلیق ،کشمکش و گره گشایی به تناوب در همه ی داستان‌ها دیده می‌شود. نویسنده در بیشتر داستان‌ها پیرنگ داستان را می‌بندد و فقط در داستان «زندگی سگی» باز است.

- زاویه‌ی دید در همه‌ی داستان‌ها به صورت راوی و اول شخص است و نویسنده سعی کرده است با حضور عینی و محوری در داستان‌هایش، قهرمان اصلی داستان‌هایش باشد. چنان‌که گفتیم، این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که نویسنده مدّتی طولانی در جبهه‌ها حضور داشته است و با بسیاری از شخصیت‌های داستان‌هایش زندگی کرده است و آن شرایط را از نزدیک لمس کرده است.

- از نظر زمانی، داستان‌های «بلدر چین» و «من قاتل پسرتان هستم» مربوط به حوادث دوران جنگ و بقیه‌ی داستان‌ها پس از جنگ رخ می‌دهد. نویسنده به جزییات زمانی آن‌ها نمی‌پردازد، امّا زمان وقوع حوادث را به صورت کلی، مشخص می‌کند. مکان حوادث داستان نیز به جز دو اثر یاد شده در شهرها و در مکان‌های دیگری است. توصیف مکان‌ها جاندار طبیعی و به صورتی موجز است.

- مضامین و درون‌مایه های تمامی این مجموعه، متأثر از جنگ و ابعاد گوناگون اجتماعی، فرهنگی و روحانی است و نویسنده دو رویکرد اصلی را دنبال می‌کند. یکی نگاه ارزش‌مدارانه به جنگ و دیگر بررسی‌آسیب‌ها و تبعات جنگ است.

- صحنه و صحنه پردازی‌ها به تأثیر خود را در باورپذیر بودن حوادث و ایجاد فضا در داستان به جا گذاشته است. به عبارت دیگر حوادث و وقایع در صحنه واقع شده‌اند.

- لحن در داستان‌های این مجموعه به‌خاطر عدم تعدّد شخصیت‌ها تنّوع زیادی ندارد، اما هر یک از شخصیت ها، لحن مناسب خود را پیدا کرده است.

- عنصر حقیقت مانندی، نیز به در داستان به خوبی جا افتاده است و چنان که اشاره گردید، به خاطر حقیقی بودن مضامین بالطبع حوداث و شخصیت‌ها نیز به صورتی باورپذیر در می‌آیند.

یـــادداشـــت ها

۱- داستان زنی است به نام « ننه مریم» که بعد از آشفتگی روحی به دنبال فرزند مفقود الاثرش، عبدو، تا نزدیکی‌های مرز می‌رود و با یک گونی استخوان برمی‌گردد و به تصور این که پسرش عبدو است، استخوان‌ها را در اتاقی کنار هم می‌چیند و خود را در کنار آن‌ها حبس می‌کند. بعد از مدتی در سفری بی‌بازگشت استخوان‌ها را بر می‌دارد و می‌رود.

۲- الله‌قلی، رزمنده‌ی روستایی آرام و ساده و بی سوادی است که علاقه‌ی زیادی به طبیعت و بلدرچین‌هایی دارد که در اطراف سنگر بودند و نامزدی به نام گل‌چهره، که همواره به یاری هم‌سنگرانش برای او نامه می‌نویسد. الله‌قلی در جریان حمله به دشمن به شهادت می‌رسد و بلدرچین‌هایی که الله‌قلی برای آن‌ها سایه بانی با سبزی‌ها درست کرده بود، اطرافش را می‌گیرند و تصویر زیبایی می‌آفرینند.

۳- داستان جانبازی است که به وسیله‌ی دوستش نادر، از امتیاز واگذاری قطعه زمینی باخبر می‌شود، و وی علیرغم تردید در گرفتن آن نامه، به اداره ی مربوط می‌رود و در آنجا با جانبازان زیادی روبرو می‌شود که هر یک معلولیتی دارند و کوهی از مشکلات.

۴- داستان رزمنده‌ای است که بعد از جنگ به خاطر اتفاقاتی که برای او می افتد، کارش را از دست می‌دهد و دچار زندان و مشکلات شدید مالی می‌گردد. او برای رفع این مشکل دست به دامان دوستان دوران جبهه اش می‌شود و در این جریان با راوی برخورد می‌کند، تا مشکل او را حل‌کند.

۵- داستان، درباره‌ی رزمنده‌ای است به نام «فرامرز بنکدار» که مجبور به قتل پیکر نیمه جان همرزم و مربی خود «محسن» می‌شود تا مانع از به خطر افتادن جان رزمندگان دیگر شود. از این رو، در نامه‌ای به پدر محسن می‌نویسد، او را از این راز دردناک آگاه می‌کند تا تکلیف خود را روشن‌کند و از سنگینی عذابی که مدتی او را آزار می‌دهد نجات یابد.

۶- «سام» پسر بزرگ خانواده‌ای است که به جبهه می‌رود و به دست دشمن اسیر می شود، اما به خاطر عدم اطلاع خانواده‌ی او و پدرش از این موضوع به تصور این که سام به

شهادت رسیده است. پدر، زن سام را به عقد پسر دیگرش نریمان در می‌آورد. اما بعد از برگشتن سام از اسارت و مطلع شدن او از ازدواج زنش با برادرش نریمان، اتفاقات دردناکی برای این خانواده می‌افتد. نریمان، سام را می‌کشد. میترا خودکشی می‌کند. امیر حسین و مریم فرزندان سام و نریمان نیز با گاز خودکشی می کنند.

منابع

۱- میر یام، آلوت،(۱۳۸۴)، *رمان به روایت رمان نویسان*، ترجمه‌ی علی محمد حق شناس، چاپ دوم، تهران، نشرمرکز.

۲- احمدی، بابک،(۱۳۷۱) *از نشانه های تصویری تا متن*، تهران نشر مرکز.

۳- ..... ، .....، (۱۳۹۰)، *ساختار و تأویل متن*، چاپ چهارم، تهران، نشر مرکز.

۴- ایرانی، ناصر،(۱۳۶۴)، *تعاریف*، ابزار و عناصر، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

۵- .....، .....،(۱۳۸۰)، *هنر رمان*، چاپ اول، تهران، انتشارات آبانگاه.

۶- ایگلتون، تری، (۱۳۹۰)، *نظریه های ادبی*، ترجمه‌ی عباس مخبر، چاپ ششم، تهرا ن، نشر مرکز.

۷- بیشاب، لئونارد ،(۱۳۷۴)، *درس‌هایی درباره‌ی داستان نویسی*، چاپ چهارم، ترجمه‌ی کاوه دهگان، نشر زلال.

۸- حداد، حسین، (۱۳۸۷۹)، *بررسی عناصر داستان ایرانی*، چاپ اول، تهران، سوره‌ی مهر.

۹- پارسی نژاد، کامران، (۱۳۸۴)، *جنگی داشتیم داستانی داشتیم*، تهران، نشر صریر.

۱۰- حنیف، محمد و محسن، (۱۳۸۸)، *کندوکاوی پیرامون ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس*، نشر صریر.

۱۱- خان محمدی، محمدحسین و شریفی، فردین، (۱۳۸۸) *«بررسی عناصر در"مرد" اثر محمود دولت آبادی»*، فصلنامه‌ی ادبیات فارسی، سال پنجم، شماره‌ی سیزدهم.

۱۲- داد، سیما، (۱۳۸۵)، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، چاپ سوم، تهران، مروارید.

۱۳- دهقان، احمد، (۱۳۸۶)، *من قاتل پسرتان هستم*، چاپ سوم، تهران، طیف نگار.

۱۴- ریک، فیلیپ، (۱۳۷۱) *«ساختارگرایی»*، ترجمه‌ی احمد ابومحبوب، ادبیات داستانی، شماره ی ۳۹.

۱۵- سعیدی، مهدی، (۱۳۸۵) «*رویکردهای عمده‌ی ادبیات داستانی جنگ*»، پژوهش زبان و ادبیات داستانی، شماره هفتم.
۱۶- سلدن، رامان و ویدوسون، پیتر، (۱۳۷۸)، راهنمای *نظریه‌ی ادبی معاصر*، ترجمه‌ی عباس مخبر، چاپ چهارم، تهران، نشرطرح نو.
۱۷- سلیمی، علی، (۱۳۸۰) «*داستان یک نویسنده* »، مجله‌ی ادبیات داستانی، شماره ۵۵.
۱۸- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۵)، *انواع ادبی*، چاپ چهارم، انتشارات فردوس، تهران.
۱۹- عبد اللهیان، حمید و حدادی، الهام، (۱۳۸۱)، *شخصیت و شخصیت پردازی در داستان معاصر*، چاپ اول، تهران، انتشارات آن
۲۰- فلکی، محمود، (۱۳۸۲)، *روایت داستان (تئوری‌های پایه‌ای داستان نویسی)* ،تهران، بازتاب نگار.
۲۱- فورستر، ادوارد مورگان، (۱۳۶۹)، جنبه‌های رمان، ترجمه‌ی ابراهیم یونسی، تهران، نگاه.
۲۲-کاسی، فاطمه،(۱۳۸۷)، «*تحلیل ساختاری داستان پادشاه سیاه پوش از منظر بارت و گرماس* »، ادب پژوهی، شماره ی پنجم.
۲۳-گلدمن، لوسین، (۱۳۶۹)، *نقد تکوینی*، ترجمه‌ی محمد تقی غیاثی، انتشارات بزرگمهر.
۲۴- مستور، مصطفی، (۱۳۷۹)، *مبانی داستان کوتاه*، چاپ اول، تهران، مرکز نشر.
۲۵- میرصادقی ، جمال، (۱۳۶۵)، *ادبیات داستانی*، چاپ دوم، تهران، انتشارات ماهور.
۲۶- .....، ....، (۱۳۷۶)، *عناصر داستان*، چاپ سوم، تهران، انتشارات سخن.
۲۷-.....، ..... و میرصادقی، میمنت، (۱۳۷۷)، *واژه نامه‌ی هنر داستان نویسی*، تهران، کتاب مهناز.
۲۸- یونسی، ابراهیم، (۱۳۸۶)، *هنر داستان نویسی*، تهران، انتشارات نگاه.